

(رمان در سایت الیاد آپدیت می شود)

پارت 134

لباس و جلوی صورتم گرفتم و با طعنه گفتم
_من اینو نمیپوشم

در حالی که لیوان مشروبش دستش بود گفت

_بدتر از اون لباسی نیست که اون شب پوشیدی و اومدی بین یه عالمه
مرد مست

_خیلی پرویی آرمین.

لیوانش رو یک نفس سر کشید و گفت

_چرا س*ک*س*ی من؟ اگه نمیپوشی اصراری نیست من بلام چطوری
باهات حال کنم.

چند لحظه با با حرص چشمامو بستم. به سمت کمد رفتم و تیشرت و
شلواری برداشتم و با لباس هام عوض کردم.

با فاصله ازش زیر پتو خزیدم و چشمامو بستم.

لحظه ای نگذشت که گرمای تنش رو درست پشت سرم احساس کردم.

لبم و محکم بین دندان هام فشردم. دستش روی پهلوام نشست و نوازش
گرانه سر خورد پایین...

در حالی که دستش روی روم پام بود کنار گوشم با لحنی خاص گفت

_نقطه ضعفتم بود؟؟

هیچی نگفتم، فقط لبم و محکم تر گاز گرفتم... سرش توی گردنم فرو رفت
و خمار گفت

_عطر تنت مستم میکنه می دونستی؟

خودتو ناز هانا... خودتو به این مرد نباز

بازوم و گرفت و برم گردوند خم شد روم... چند ثانیه ای نگاهم کرد و در
نهایت وحشیانه لبم رو بوسید.

تیشرت نازک تنم رو با خشونت از وسط پاره کرد

لبش رو جدا کرد و نفس بریده گفت

_به خاطر فرار دیشبت، به خاطر اینکه یک شبو خونه ی اون سر
کردی... به خاطر هشدار ی که بهت دادم و گوش نکردی... فکر نکن
آرمین چیزی و میبخشه.

امشب مثل سگ سرویس میدی هانا خبری از ناز و نوازش نیست.

با چشمای گرد شده نگاهش کردم و خواستم بلند بشم که جلوی دهنم رو
گرفت و فشار داد با این کار به تخت میخ شدم و هیچ غلطی نتونستم بکنم

(رمان در سایت الیاد آپدیت می شود)